

و ایران، با ظهور فیلسوفانی مانند فارابی، ابن سینا، ابن رشد، شیخ اشراق و ملاصدرا؛ ۴- دوره جدید اروپا که از رنسانس با ظهور فیلسوفانی مانند فرانسیس بیکن، دکارت، کانت و هگل آغاز می شود و تا کنون ادامه دارد.

۳. آگاهی از دوره های فلسفه چه فایده ای دارد؟ در تمام این دوره ها، درباره معرفت شناسی و میزان کارآمدی هر یک از ابزارهای معرفت، مباحث مختلفی صورت گرفته است که هر کس بخواهد در دانش فلسفه تبخّر داشته باشد، باید از آن مباحث آگاه باشد.
۴. کدام متفکران از اولین کسانی بودند که درباره شناخت انسان و ارزش و اعتبار آن نظر داده اند؟ دو مورد را نام ببرید. دانشمندان و متفکرین پیش از سقراط، مانند هراکلیتوس - پارمنیدس
۵. اولین دوره معرفت شناسی کدام است و چه مسائلی نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود؟ دوره یونان. هر چند در این دوره، معرفت شناسی به صورت مستقل مطرح نبود، اما « مسئله شناخت » و میزان انطباق آن با واقعیت مورد توجه دانشمندان پیش از سقراط قرار گرفته بود.
۶. بیشتر متفکرین پیش از سقراط به کدام شناخت اهمیت می دادند؟ بیشتر این دانشمندان به شناخت حسی اهمیت می دادند و توجه کمتری به شناخت عقلی داشتند.
۷. هراکلیتوس معتقد بود کدام شناخت اعتبار دارد و ما از طریق آن چه چیزی را درک می کنیم؟ هراکلیتوس، علاوه بر حس به عقل هم اهمیت می داد. او معتقد بود که شناخت حسی اعتبار دارد و ما وجود حرکت در این جهان را از طریق حس در می یابیم و درک می کنیم.
۸. از نظر پارمنیدس کدام شناخت اعتبار ندارد و چرا به نظر او حرکت وجود ندارد؟ پارمنیدس معتقد بود شناخت حسی به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می دهد، اعتبار ندارد و نمی توان بدان تکیه کرد. به همین جهت پارمنیدس معتقد بود که حرکت وجود ندارد و همه اشیا در ثبات و پایداری هستند.
۹. چه کسانی اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سؤال برده بودند؟ چرا؟ سوفسطائیان به سبب اختلاف نظرها و مغالطه هایی که خودشان بدان متوسل می شدند، اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سؤال برده و مدّعی بودند که نه از راه حس و نه از راه عقل، می توان به حقیقت رسید و اگر چیزی را حس می کنیم بدان معنا نیست که حس ما از یک واقعیت بیرونی خبر دهد. به عبارت دیگر، ما چیزی جز احساس در اختیار نداریم.
۱۰. نظر پروتاگوراس در باره حقیقت و شناخت چه بود؟ پروتاگوراس که از سوفسطائیان بود، می گفت حقیقت همان چیزی است که حواس هرکس به آن گواهی می دهد خواه حواس افراد یکسان گزارش دهد یا متفاوت. بنابراین حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می تواند متفاوت باشد. پروتاگوراس اعتقاد داشت که اشیا، هرطوری که دره نوبت به نظر من می آیند، در آن نوبت همان طور هستند و هر طور که به نظر تو می آیند، برای تو نیز همانطور هستند.
۱۱. در میان مجادلات طرفداران عقل و حس، کدام فیلسوفان کوشیدند راه های معتبر شناخت را هم توضیح دهند؟ حکیمانی مثل سقراط، افلاطون و ارسطو
۱۲. در میان مجادلات طرفداران عقل و حس، نقش سقراط، افلاطون و ارسطو چه بود؟ آنها کوشیدند راه های معتبر شناخت و روش های رسیدن به آن را تبیین کرده و راه های گریز از خطا را هم توضیح دهند.
۱۳. چه کسی علم منطق را تدوین کرد؟ چگونه این علم مانع رشد سفسطه در جامعه می شود؟ ارسطو با تدوین منطق توانست قواعد استدلال و شیوه های مصون ماندن از خطا و مغالطه را آموزش دهد و مانع رشد سفسطه در جامعه شود.
۱۴. توضیح دهید به نظر افلاطون شناخت حسی مطمئن تر است یا شناخت عقلی؟ افلاطون که به عقل اهمیت می داد، عقیده داشت که شناخت عقلی بسیار مطمئن تر از شناخت حسی است و اموری را که عقل درک می کند، ارزش برتری دارد. او باور داشت که عقل می تواند جهانی برتر از جهان طبیعت را بشناسد و برای آن استدلال ارائه نماید.
۱۵. به نظر افلاطون عقل می تواند کدام جهان را بشناسد؟ نام این جهان چیست و چه نسبتی با عالم طبیعت دارد؟ او باور داشت که عقل می تواند جهانی برتر از جهان طبیعت را بشناسد و برای آن استدلال ارائه نماید. وی نام این جهان برتر را عالم مُثُل نامید. از نظر او عالم طبیعت سایه عالم مُثُل است.
۱۶. آیا افلاطون شهود قلبی را باور داشت؟ بله و معتقد بود که سقراط آن عالم برتر را مشاهده کرده است.
۱۷. نظر ارسطو درباره شناخت حسی و عقلی چه بود؟ ارسطو گرچه ادراک حسی را معتبر می دانست، اما استدلال کردن را یک کار عقلی معتبر می شمرد. به نظر او عقل می تواند به اموری ماورای حس پی ببرد و آنها را اثبات نماید.
۱۸. چه تفاوت و تشابهی میان نظر پارمنیدس و افلاطون درباره ادراک حسی وجود دارد؟ تفاوت: پارمنیدس کلا ادراک حسی را به دلیل خطاهایی که در حس رخ می دهد معتبر نمی داند اما از نظر افلاطون، ابزار حسی توانایی درک این جهان را به انسان می دهد پس او ادراک حسی را در شناخت عالم طبیعت معتبر می داند. تشابه: هر دو ادراک حسی را برای دست یابی به حقایق، بی اعتبار می دانند.

۱۹. فیلسوفان دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران، کدام ابزار شناخت را معتبر می دانستند؟ چه تفاوتی با هم داشتند؟ در این دوره فیلسوفان بزرگی ظهور کردند که همگی سه ابزار حس و عقل و قلب را معتبر می دانستند، با این تفاوت که برخی از آنها بیشتر درباره حس و عقل سخن گفته اند، برخی به شهود قلبی توجه ویژه کرده اند و برخی نیز میان حس و عقل و قلب و شهود وحیانی پیوند برقرار ساخته و از هر سه بهره برده اند.
۲۰. حکیم ابونصر فارابی و شیخ الرئیس ابن سینا کدام ابزارهای شناخت را معتبر می دانستند؟ توضیح دهید. آنها مانند افلاطون و ارسطو، هم حس و هم عقل را معتبر می دانستند. همچنین برای شناخت وحیانی هم اعتبار خاص قائل بودند و آن را هم یکی از راه های شناخت می دانستند که اختصاص به پیامبران دارد. این دو فیلسوف نیم نگاهی هم به شناخت شهودی داشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی کردند.
۲۱. فارابی و ابن سینا کدام شناخت را در تبیین های فلسفی خود وارد نمی کردند؟ آنها نیم نگاهی به شناخت شهودی داشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی کردند. ابن سینا در یکی از کتاب های خود که به تبیین عرفان می پردازد، به طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می دهد اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال های فلسفی سخنی نمی گوید.
۲۲. توضیح دهید شیخ شهاب الدین سهروردی بر کدام معرفت تاکید بسیار داشت؟ سهروردی علاوه بر فلسفه، در عرفان نیز شخصیتی مهم به شمار می رود. سهروردی بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد و کوشید، آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند و در نهایت نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید.
۲۳. شیخ اشراق لقب کدام فیلسوف است؟ شیخ شهاب الدین سهروردی
۲۴. سهروردی نظام فلسفی خود را بر چه پایه ای بنا نهاد؟ سهروردی کوشید، آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند و در نهایت نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید.
۲۵. ملاصدرا در نظام فلسفی خویش از کدام ابزارهای شناخت بهره برد و چگونه راه شیخ اشراق را تکمیل کرد؟ او توانست به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره ببرد. ملاصدرا توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است، از شهود و اشراق نیز بهره مند است. او همچنین پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی برقرار کرد و اثبات کرد که تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف وحیانی وجود ندارد و بلکه عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند.
۲۶. کدام فیلسوف راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و در چه قرنی می زیست؟ ملاصدرا شیرازی / قرن یازدهم هجری
۲۷. نظر ملاصدرا در باره ارتباط «عقل و دین» توضیح دهید. ملاصدرا در کتاب «اسفار» می گوید: «عقل و دین در همه احکام خود با هم تطبیق دارند و حاشا که احکام شریعت نورانی با معارف یقینی و ضروری عقلی تعارض داشته باشد و افسوس به حال فلسفه ای که قوانین آن مطابق با کتاب و سنت نباشد.»
۲۸. عموم فیلسوفان جهان اسلام، برای کدام معرفت اعتبار قائل بودند؟ هم برای معرفت حسی و هم برای معرفت عقلی اعتبار قائل اند. علاوه بر این، فلاسفه اسلامی معرفت شهودی و وحیانی را نیز قبول دارند و هر کدام را در جای خود مفید می دانند.
۲۹. نظر علامه طباطبایی در مورد نقش ملاصدرا در برقراری پیوند بین عقل، کشف و شرع چیست؟ «صدرالمآلهین پایه بحثهای فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف (شهود) و شرع (وحی و سنت) گذاشت و در راه کشف حقایق الهیات از مقدمات برهانی و مطالب کشفی (شهودی) و مواد قطعی دینی (آنچه از قرآن و حدیث بدست می آید) استفاده نمود اگرچه ریشه این نظردرکلمات فارابی، ابن سینا، شیخ اشراق و خواجه نصیر طوسی نیز به چشم می خورد، ولی این ملاصدرا است که توفیق کامل انجام این مقصد را پیدا کرد.»
۳۰. ملاصدرا پایه بحث های علمی و فلسفی خود را بر چه اموری گذاشت؟ روی پیوند میان عقل، کشف و شرع گذاشت و در راه کشف حقایق الهیات از مقدمات برهانی و مطالب کشفی (شهودی) و مواد قطعی دینی (آنچه از قرآن و حدیث بدست می آید) استفاده نمود.
۳۱. معلم ثانی لقب کیست؟ ابونصر فارابی
۳۲. در دوره معاصر فیلسوفان جهان اسلام، درباره ابزارهای شناخت چه نظری دارند؟ در دوره معاصر، فیلسوفان مسلمان نظر علامه طباطبایی را قبول دارند و معتقدند که عقل و حس و نیز شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند و در جای خود می توانند ابزاری برای کسب معرفت باشند.
۳۳. بدون کدام ابزار معرفت، فلسفه اسلامی اساساً وجود ندارد؟ معرفت فلسفی متکی بر استدلال عقلی است و بدون آن فلسفه اساساً وجود ندارد؛ یعنی نمی توان صرفاً با اتکاء بر تجربه یا شهود قلبی یا وحی به معرفت فلسفی رسید.
۳۴. منظور از دوره جدید اروپا چیست؟ توضیح دهید. مقصود از دوره جدید، دوره ای است که از قرن شانزدهم آغاز می گردد و تاکنون ادامه دارد. در این دوره اروپا به تدریج از حاکمیت کلیسا خارج می شود، علوم تجربی گسترش می یابد و در حوزه های مختلف اجتماعی، از جمله سیاست، فرهنگ و فلسفه تحولات زیادی رخ می دهد.

۳۵. دوره جدید فلسفه در اروپا از چه قرنی و با پیشگامی کدام فیلسوفان آغاز می شود و به چه مسئله ای توجه ویژه ای شد؟ از قرن شانزدهم با پیشگامی فرانسویس بیکن و دکارت آغاز می شود، به معرفت شناختی توجه ویژه ای شد.
۳۶. در اروپا از قرن شانزدهم به بعد، کدام مسئله در کانون مباحث فلسفی قرار گرفت و نزاع بر سر این بود که در کسب معرفت، آیا حس و تجربه ارزش و اعتبار بیشتری دارد و بهتر ما را به حقایق می رساند یا استدلال عقلی؟
۳۷. تجربه گرایان چه گروهی بودند؟ نام دو تجربه گرا را ذکر کنید. گروهی که برای تجربه اهمیت بیشتری قائل بودند و آن را اساس کسب معرفت می دانستند. مانند بیکن و جان لاک
۳۸. بیکن که بود و چه دیدگاهی داشت؟ به نظر او علت عدم پیشرفت علوم تجربی چه بود؟ بیکن از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود. به نظر بیکن فیلسوفان گذشته با دنباله روی از ارسطو، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و همین امر سبب شده بود که علوم تجربی در خرافات و تعصب های بیجا محصور شده و پیشرفت نکنند.
۳۹. جان لاک که بود؟ چرا تاکیدش بر تجربه گرایی اهمیت داشت؟ جان لاک، فیلسوف قرن هفدهم انگلستان بود که روش بیکن را دنبال کرد و بر تجربه گرایی تأکید ورزید. این تأکید از آن جهت اهمیت داشت که در دوره قرون وسطی کمتر به تجربه توجه می شد و علوم تجربی از عقب ماندگی فوق العاده ای رنج می برد. همین تأکید، یکی از عوامل توجه دانشجویان و پژوهشگران به علوم تجربی شد و زمینه ساز پیشرفت های علمی گردید.
۴۰. دو جریان فکری که در دوره جدید اروپا شکل گرفته است را نام ببرید. تجربه گرایی / عقل گرایی
۴۱. دکارت به کدام ابزار شناخت اهمیت می داد؟ بین دیدگاه او و بیکن چه تفاوتی وجود دارد؟ دکارت فیلسوف و ریاضی دان بزرگ فرانسوی، به تفکر عقلی اهمیت بسیار می داد و برعکس بیکن، معتقد بود عقل انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که از تجربه به دست نیامده اند؛ مانند معرفت به وجود نفس مجرد و وجود خدا. به اعتقاد دکارت انسان در فهم این قبیل امور نیازی به حس و تجربه ندارد.
۴۲. به نظر دکارت انسان در فهم چه اموری نیازی به حس و تجربه ندارد؟ انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که از تجربه به دست نیامده اند؛ مانند معرفت به وجود نفس مجرد و وجود خدا.
۴۳. توضیح دهید آیا دکارت مخالف تجربه و علم تجربی بود؟ چه چیزی وی را از تجربه گرایان جدا می کرد؟ دکارت مخالف با تجربه و علم تجربی نبود و خود او نقش مؤثری در پیشرفت علم در اروپا داشت، بخصوص که او یک ریاضی دان بزرگ هم شمرده می شد. آنچه وی را از تجربه گرایان جدا کرد، قبول گزاره ها و قواعد عقلانی بود که از طریق تجربه قابل دستیابی نبودند و فقط متکی بر استدلال عقلی بودند.
۴۴. عقل گرایان چه گروهی بودند؟ دکارت برعکس بیکن به تفکر عقلی اهمیت بسیار می داد پس از دکارت، فیلسوفان دیگری پیدا شدند که نظر او را تأیید کردند. این گروه از فیلسوفان به عقل گرایان مشهور شدند.
۴۵. کانت چگونه کوشش کرد هم اعتبار عقل و هم تجربه را اثبات کند و نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است. کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان تصوراتی مثل زمان، مکان و مفاهیمی مانند علیت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی آورد. به نظر کانت، انسان آنچه را که از طریق حس به او می رسد، در قالب این مفاهیم درک می کند. به عنوان مثال، انسان روشن شدن زمین را بعد از طلوع خورشید درمی یابد؛ اما وقتی می تواند بگوید طلوع خورشید علت روشن شدن زمین است که به کمک مفهوم علت که خودش در دستگاه ادراکی موجود است و از خارج گرفته نشده، میان تصور طلوع خورشید و تصور روشن شدن رابطه برقرار کند.
۴۶. آیا تلاش های عقل گرایان در برابر تجربه گرایان تلاش موفقی بود؟ کدام دیدگاه غالب فلسفی در اروپا درآمد؟ خیر. تجربه گرایی به صورت یک دیدگاه غالب فلسفی در اروپا درآمد. از این به بعد در میان تجربه گرایان دیدگاه های جدیدی بروز کرد که یکی از مهم ترین آنها پوزیتیویسم یا اثبات گرایی بود.
۴۷. پوزیتیویست ها، چه دیدگاهی درباره معرفت دارند؟ (چه ابزاری را در شناخت معتبر می دانند؟) پوزیتیویست ها علاوه بر این که تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را تجربه می دانستند، معتقد بودند که اصولاً آن دسته از مفاهیم و گزاره ها که تجربه پذیر نیستند و از طریق تجربه نمی توانند مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرند، بی معنا هستند.
۴۸. بنا بر دیدگاه پوزیتیویست ها، کدام مفاهیم اصولاً قابل بررسی علمی نیستند؟ مفاهیمی مانند خدا، اختیار، نفس و روح که تجربه درباره نفی یا اثبات آنها نمی تواند نظر دهد، معنای روشنی ندارند. لذا اصولاً قابل بررسی علمی نیستند.
۴۹. یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را نیز برای اولین بار استفاده کرد چه کسی بود؟ اوگوست کنت، فیلسوف فرانسوی قرن نوزدهم.

۵۰. توجه خاص به تجربه و بی مهری به تفکر عقلی چه نتایجی در برداشت؟ گرچه توجه خاص به تجربه، سبب رشد دانشهایی از قبیل فیزیک، شیمی، زیست شناسی و پزشکی شد، اما بی مهری به تفکر عقلی، اشکالات نظری متعددی را پدید آورد. یکی از این اشکالات، محدودیتهای روش تجربی بود که نمی توانست پاسخگوی سؤالهای مهم انسان باشد. همچنین ناتوانی تجربه در دستیابی به همه خصوصیات اشیا و احتمالی بودن بسیاری از نتایج تجربی و تفاوت میان تجربه انسان ها، می توانست قطعیت احکام تجربی را از میان ببرد. در هر حال چنین مشکلاتی سبب شد که واقع نمایی دانش تجربی، بار دیگر با اشکال رو به رو شود و جریان های نسبی گرا در داخل تجربه گرایي ظهور کنند.

۵۱. تجربه در چه اموری نمی تواند اظهار نظر کند؟ چرا؟ تجربه نمی تواند درباره نیاز جهان به مبدأ و خدا و وجود عوالمی غیر از عالم طبیعت و اساس خوب و بد های اخلاقی اظهار نظر کند زیرا ابزار لازم برای چنین مسائلی را در اختیار ندارد.

۵۲. کدام مسئله می توانست قطعیت احکام تجربی را از میان ببرد؟ ناتوانی تجربه در دستیابی به همه خصوصیات اشیا و احتمالی بودن بسیاری از نتایج تجربی و تفاوت میان تجربه انسان ها، می توانست قطعیت احکام تجربی را از میان ببرد.

۵۳. نسبی گرایان درباره شناخت چه اعتقادی دارند؟ مثال بزنید آنان بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگیهای خود، درباره امور به شناختی می رسد که با شناخت افراد دیگر متفاوت است. بنابراین شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد؛ مثلاً بر اساس این دیدگاه، به طور مطلق نمی توان گفت «فلز بر اثر حرارت انبساط پیدا می کند» بلکه فرد حداکثر می تواند بگوید من «در این وضعیت، فکر می کنم فلز بر اثر حرارت منبسط می شود».

۵۴. نسبی گرایی در معرفت شناسی، به کدام حوزه ها راه یافت؟ نسبی گرایی در معرفت شناسی به تدریج در حوزه هایی مانند انسان شناسی، اخلاق، حقوق و دین خود را بیشتر نشان داد و به نسبی گرایی در هویت انسان، اخلاق، دین و حقوق انجامید.

۵۵. دیدگاه پراگماتیسم یا اصالت عمل (مصلحت عملی) در مورد شناخت چیست؟ مثال بزنید. پراگماتیست ها معتقدند گرچه تنها ابزار شناخت اشیا حس و تجربه است اما از طریق تجربه نمی توان واقعیت اشیا را شناخت. بنابراین ما نباید هدف خود را کشف واقعیت قرار دهیم، بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند؛ مثلاً کسی که باور دارد آب در حال جوش بسیار داغ است و دست را می سوزاند، به آب جوش دست نمی زند دچار سوختگی نمی شود. پس این دانش در عمل برای ما مفید است و همین فایده، به معنی درست بودن است.

۵۶. هدف پراگماتیست ها از شناخت چیست؟ آنها می گویند ما نباید هدف خود را کشف واقعیت قرار دهیم، بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند.

۵۷. از نظر پراگماتیسم ملاک درست بودن یک باور و دانش چیست؟ این است که در عمل به کار ما بیاید و سودمندی خود را نشان دهد همین فایده، به معنی درست بودن است.

۵۸. تحولات حوزه معرفت شناسی، از اواسط قرن بیستم، به چه صورتی بوده است؟ در ادامه تحولات حوزه معرفت شناسی از اواسط قرن بیستم، جریان های دیگری نیز در اروپا و آمریکا پدید آمد که در واقع مکمل رخ داده ها و تحولات قبلی به شمار می آید. به طور کلی جریان تجربه گرایی، که امروزه قالب های جدیدی یافته، در اروپا و آمریکا همچنان بر عقل گرایی غلبه دارد. البته هنوز هم راه های دیگر معرفت، یعنی شهود عرفانی و وحی نیز همچنان طرفدارانی دارند.

۵۹. ویلیام جیمز و هانری برگسون طرفدار کدام یک از راه های شناخت هستند؟ برخی از فیلسوفان معاصر، در حالی که تجربه گرایی را قبول دارند، به شهود معنوی و تجربه دینی (به عنوان نوعی شناخت قلبی) نیز معتقد هستند. ویلیام جیمز و هانری برگسون از فیلسوفان تجربه گرایی هستند که به شهود عرفانی و تجربه دینی نیز معتقدند و به بُعد معنوی انسان اهمیت می دهند.

سوالات جای خالی

۱. در اولین دوره معرفت شناسی « » و میزان انطباق شناخت انسان با « » از مسائلی بود که نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود.
۲. پارمنیدس معتقد بود شناخت به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می دهد، اعتبار ندارد و نمی توان بدان تکیه کرد.
۳. پارمنیدس از فیلسوفان از سقراط در یونان باستان، معتقد بود که وجود ندارد.
۴. هراکلیتوس شناخت را معتبر می دانست.
۵. سوفسطائیان به سبب و که خودشان بدان متوسل می شدند، اصل امکان را زیر سؤال برده بودند.
۶. اولین دوره معرفت شناسی به باز می گردد، اما به صورت مطرح نبوده است.
۷. پروتاگوراس که از بود می گفت حقیقت امری نیست.
۸. ارسطو با تدوین توانست قواعد استدلال و شیوه های مصون ماندن از را آموزش دهد.
۹. سوفسطائیان مدعی شدند که نه از راه و نه راه نمی توان به حقیقت رسید.

۱۰. افلاطون عقیده داشت شناخت بسیار مطمئن تر از شناخت است.
۱۱. افلاطون معتقد به جهان برتری به نام بود که عالم طبیعت آن شمرده می شود.
۱۲. افلاطون معتقد بود عالم برتر را مشاهده کرده است.
۱۳. ارسطو اگر چه ادراک را معتبر می دانست، اما استدلال کردن را یک کار معتبر می شمرد.
۱۴. به نظر ارسطو عقل می تواند به اموری پی ببرد و آنها را اثبات نماید.
۱۵. فارابی و ابن سینا نیم نگاهی به شناخت داشتند اما آن را در تبیین خود وارد نمی کردند.
۱۶. فارابی و ابن سینا مانند افلاطون و ارسطو و معتبر می دانستند.
۱۷. ابن سینا از ارتباط معرفت با فلسفه و استدلال های فلسفی سخنی نمی گوید.
۱۸. شیخ اشراق لقب است که بر معرفت تأکید بسیاری کرد.
۱۹. سهروردی علاوه بر فلسفه، در نیز شخصیتی مهم به شمار می رود.
۲۰. سهروردی کوشید آنچه را که از طریق اشراق به دست آورده بود، تبیین کند.
۲۱. ملا صدرا فیلسوف بزرگ قرن راه را تکمیل کرد.
۲۲. ابونصر فارابی ملقب به و ارسطو ملقب به است.
۲۳. ملاصدرا می گوید: افسوس به حال فلسفه ای که قوانین آن مطابق با و نباشد.
۲۴. در دوره معاصر، فیلسوفان معتقدند که عقل، حس، شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند.
۲۵. نمی توان صرفاً با اتکاء بر تجربه یا شهود قلبی یا وحی به معرفت رسید.
۲۶. معرفت فلسفی متکی بر است و بدون آن فلسفه اساساً وجود ندارد.
۲۷. دوره جدید فلسفه در اروپا از قرن شانزدهم با پیشگامی و آغاز می شود.
۲۸. کتاب «اسفار» اثر فیلسوف بزرگ قرن یازدهم هجری است.
۲۹. در قرن ۱۶ میلادی، نزاع بر سر این بود که در کسب معرفت، آیا اعتبار بیشتری دارد یا ؟
۳۰. گروهی که به تجربه اهمیت بیشتری می دادند و آن را اساس کسب معرفت می دانستند به « » مشهور شدند.
۳۱. بیکن از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت و اصرار می ورزید.
۳۲. دکارت فیلسوف و ریاضی دان بزرگ ، به اهمیت بسیار می داد.
۳۳. به اعتقاد دکارت انسان در فهم و نیازی به حس و تجربه ندارد.
۳۴. دکارت معتقد بود انسان به طور معرفت هایی دارد که از تجربه به دست نیامده اند.
۳۵. کانت با طرح دیدگاهی جدید کوشید نشان دهد که معرفت حاصل همکاری و است.
۳۶. کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان مفاهیمی مثل ، و را نزد خود دارد و آنها را از راه تجربه به دست نمی آورد.
۳۷. اصطلاح «پوزیتیویسم» را اولین بار فیلسوف فرانسوی قرن استفاده کرد.
۳۸. جریان اصالت عمل یا مصلحت عملی، همان است.
۳۹. پراگماتیسمها می گویند هدف ما کشف نیست، بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در به کار ما بیایند.
۴۰. پراگماتیست ها معتقدند که از طریق نمی توان واقعیت را شناخت.
۴۱. به طور کلی جریان تجربه گرایی که امروزه قالبهای جدیدی یافته، همچنان بر غلبه دارد.
۴۲. ویلیام جیمز و از جمله کسانی هستند که به شهود و تجربه معتقدند و به بُعد معنوی انسان اهمیت می دهند.